



جاریهای حج

وضعیت شیعه در عربستان
حج گزاری در کشورهای اسلامی

وضعیت شیعه در عربستان

محمد علی مهدوی راد

آنچه در پی می‌آید گزارشی است از چگونگی وضع شیعیان در عربستان، که بر اساس آگاهی‌های برگرفته شده از شاهدان عینی و شیعیان آن دیار و گفتگو با مردمان آن سامان به قلم آمده است؛ از این رو نمی‌توان از آن انتظار پژوهشی دقیق و مستند بر آمار و واقعیت‌های ملموس و با دقت در همه جوانب را انتظار برد. این مجموعه به قلم آمده بود تا در گزارش حج سال ۱۳۷۲ که با عنوان «با کاروان عشق» نشر یافته است، منتشر شود، اما به لحاظی در آن مجموعه نیامد و اکنون مجال نشر می‌یابد. برای آگاهی از چگونگی وضع شیعیان در آن دیار، خواندن کتاب «الشیعه فی المملكة العربیة السعودیة» جلد دوم «العهد السعودی ۱۹۱۳ - ۱۹۹۰» سودمند است.

در مدینه شهر پیامبر - ص - شهر رسالت، شهر امامت، دیاری که قرن‌ها چهره‌های بلند تشیع و سنی اندیشان علوی را در کوی و برزنش جای داده بود. شهری که روزگاری کوچه بنی‌هاشم در قلب آن چونان دُر می‌درخشید، زمانی فاطمیان بر آن سلطه داشتند و مدتی زیدیان بر آن دیار حکم می‌راندند.

آری این شهر که روزگاری آمیخته بود با یاد علی و آل علی - علیهم‌السلام - اکنون





چگونه است؟ شیعیان در آن دیار چه می‌کنند؟ جمعیت شیعیان چه اندازه است و چگونه روز می‌گذرانند، در گوشه و کنار دیگر حجاز و عربستان چگونه‌اند و بر شیعیان چه می‌گذرد؟! شیعیان در این دیار همواره استقلال مذهبی و هویت مکتبی خویش را حفظ کرده‌اند؛ و علی‌رغم محدودیتها و دشواریهایی که در حاکمیت آل سعود بر آنها روا شده است، همچنان استوار و با صلابت ایستاده‌اند. یکی از آشنایان به وضع شیعیان در مدینه - و از شیعیان این دیار - در گفتگویی مستقیم می‌گوید:

تعداد شیعیان مدینه حدود سی هزار نفر و تعداد سادات مدینه حدود سیزده هزار نفر است در مدینه حدود ۲۰ حسینیه وجود دارد. بسیاری از شیعیان مدینه تهیدست هستند.

وضعیت به جهات گونه‌گون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چندان مناسب نیست. شیعیان «احساء»، «قطیف»، و «دمام» نیز وضع بهتری از اینان ندارند. گو این که آنان از آزادی عمل و فعالیت بیشتری برخوردارند.

شیعیان مناطق یاد شده به لحاظ حضور عالمان شیعه در آن دیار، آگاهیهای فرهنگی خوبی دارند. گفتگو با آنان بویژه تحصیل کرده‌هایشان، نشان می‌دهد که در آگاهی از جاریهای جهان اسلام از سطح مطلوبی برخوردارند. پی‌گیری آنان از مسائل و مواضع سیاسی - فرهنگی ایران و آگاهی‌شان از تحولات درونی جامعه ایرانی و حتی تحولات حوزوی، اعجاب‌آور است. سوآلها از چگونگی مرجعیت و رهبری، تفکیک وظایف این دو نهاد، تحولات حوزه علمیه قم و... همه نشانگر حساسیت و اطلاعات بالای آنان از ایران و مسائل ایران است. آشنایی آنان با وضع اجتماعی و سیاسی خودشان و لزوم موضع‌گیریهای مناسب نیز نشان می‌دهد که دست کم نسل تحصیلکرده آنان موضع اجتماعی و سیاسی خود را بدرستی درمی‌یابند. دانشجویی می‌گفت:

ما در دبیرستانها در نماز جماعت شرکت می‌کردیم و به فتوای امام عمل می‌کردیم و مهر نمی‌گذاشتیم تا هماهنگی خود را با آنان حفظ کنیم ولی آنان برخورد مناسبی با ما نداشتند و هیچگاه بدیده اعتماد بر ما نمی‌نگریستند، و با ما گرم نمی‌گرفتند.

بهرحال شیعیان هوشمند و آگاه آن دیار؛ بویژه در سه منطقه یاد شده، به نیکی دریافتند که برای حضور عینی در اجتماع و تداوم حیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، باید حزم، دوراندیشی و استوارنگری را پیشه سازند و چنین نیز کرده‌اند. آنان در موضع مذهبی با

صلابت هستند اما در برخورد، با تسامح و هوشمند.

در مدینه، شیعیان در قسمتهای مختلف شهر سکونت دارند، آنان پیشتر و قبل از توسعه جدید شهر در بخشهای جنوبی و شرقی، در حاشیه مسجدالنبی نیز زندگی می‌کردند؛ اما اکنون بیشتر در محله عزیات، خیابان علی بن ابیطالب، حوالی مسجد قبا، خیابانهای قربان، گاز و طالع ساکن هستند.

هنگامه حج و فرا رسیدن ایام مراسم حج، همه ساله سبب خوشنودی آنان است، آنان در این روزها کسانی را می‌نگرند که براحته می‌توانند در برابر آنها راز دل بگشایند و از آرماتها، دردها و رنج‌هایشان سخن بگویند. در سعی صفا و مروه متوجه شدم حج‌گزاری که در پیش رویم حرکت می‌کند، از دیار دیرپای قطیف است، دست بر شانه‌اش نهادم و گفتم «بارک الله بقطیف»، نگاهم کرد، چهره‌اش شکفت و گفت: ایرانی هستی؟

گویا انتظار نداشت کسی جز ایرانی بر او و سرزمینش درود بفرستد. آغوشش را باز کرد و چون برادری که سالها هجران کشیده، مرا بغل گرفت، راز دل گشود و از حقایق تلخ و شیرین بسیاری گفتگو کرد. جوانی بسیار مطلع و آگاه با درد دل‌های بسیار در مقابل حجر اسماعیل با ما سخن گفت. او بر این باور بود که هوشمندی شیعیان می‌تواند در چگونگی روابط آنان با حکومت و ایجاد مناسبات درست و سودمند کمک شایان توجهی کند.

گزارش دیگر نشانگر آن است که:

رفتار اصولی و استوار شیعیان عربستان بسیاری از تبلیغات سوء وهابیان علیه آنان را خنثی کرده است. این مطلب تا بدان حد است که حساسیت‌های منفی، علیه شیعه در دانشگاه ریاض کم رنگ شده است.

برخی دیگر از گزارش‌ها نیز نشانگر آن بود که:

وضع اقتصادی شیعیان رو به بهبودی است و بعضاً از گرفتن کمک‌ها خودداری کرده‌اند. شیعیان قطیف و احساء از روحیه حماسی بالایی برخوردارند. جوانی به نام «علی» از دیار قطیف که در دعای کمیل مدینه شرکت کرده بود، می‌گفت:

من می‌دانم که اینها فیلم‌برداری می‌کنند و حضور ما را کنترل می‌کنند، اما من هراسی

ندارم.

او با این که از عدم امکان سفر به مکه اندوهگین بود اما به موضع قاطع و انقلابی



افتخار می‌کرد. امسال از آغاز ایام حج بر در حسینیه شیعیان در نگاشته کوچک نوشته شده بود: که شیعیان ایران به آنجا مراجعه نکنند. این تشدید و منع در روزهای پایانی سال گذشته ایام حج نیز اعمال شده بود،^۱ اما امسال از آغاز گویا چنین سختگیریها اعمال می‌شده است. دو نفر از روحانیون به قصد شرکت در نماز جماعت آقای عمرای به مسجد وی می‌روند از آنها خواسته می‌شود که در آنجا نمانند، آنان می‌گویند قبل از ایام حج از آقای عمرای خواسته‌اند که در ایام حج، وی با ایرانیان ارتباط نداشته باشد.

دانشجویی از دمام، نیز گزارش می‌دهد که:

فشار بر شیعیان عربستان بسیار زیاد است و آنها بخاطر شیعه بودن از بسیاری از حقوق و موقعیتهای اجتماعی محرومند.

در گفتگویی دیگر شیعیان مدینه اظهار می‌کنند:

وضع ما در این دیار خوب نیست و ما در حالت بسیار بدی بسر می‌بریم، البته امسال از جهاتی وضع بهتر است و در نهایت باید بگوییم که چگونگی اوضاع ما و رفتار حکومت با ما تا حدود زیادی بستگی به چگونگی ارتباط ایران با عربستان دارد. چند تن از شیعیان را دستگیر کرده بودند که با بهبودی روابط رها کردند. همه چیز ما، حرکت، زندگی و اجتماعات ما زیر نظر است. ما نیاز شدید به کتابهای شیعی و آثار اسلامی داریم و نمی‌توانیم به دست بیاوریم، ما شرایط شما (ایرانیان) را درک می‌کنیم ولی شما هم ما را فراموش نکنید.

روزی در جمع برخی از استادان و دانشوران به آهنگ دیدار از آثار تاریخی در مدینه، به گشت و گذار پرداختیم و برای ردیابی «مسجدالشمس» به منطقه‌ای که آن مسجد واقع بوده است رفتیم. در کناری تنی چند از پیرمردان حصیری گسترده بودند، و با قلیانی که در وسط نهاده بودند لحظه‌ها را می‌گذراندند، از جمع ما استقبال خوشی کردند و سؤالات ما را با دقت جواب دادند، آنان می‌گفتند در ایام سوگواری ما به سختی جمع می‌شویم یکی از این خانه‌ها را حسینیه قرار داده‌ایم و عزاداری می‌کنیم. پس از اندکی گفتگو از چگونگی حال و هوای آنان، دریافتیم که از توقف بسیار ما بیم دارند برای آنان آرزوی توفیق کرده و جدا شدیم.

چنان که در برخی بخشهای این گزارش آورده‌ایم^۲ وهابیان با ذهنی آلوده و تفکر انحرافی با شیعه برخورد می‌کنند، آنان به هیچ روی از حقیقت اندیشه شیعی آگاهی ندارند. یکی از عالمان سنگال در مدینه به کتابفروشی مراجعه می‌کند و از کتابهای شیعی جستجو

می‌کند، او در پاسخ می‌گوید:

اینجا مدینه است، شهری مقدس، در این شهر مقدس اسم شیعه را که کافر هستند بزبان نیاور. با این پندار طبیعی است که شیعیان وضع مناسبی در محیط عربستان که در نهایت در سیطره فکری وهابیان است، نداشته باشند.

در پایان این گزارش گونه، گفتگوی تنبہ‌آفرینی را که نویسنده‌ای به قلم کشیده است

می‌آوریم:

از یکی از کتابفروشیهای اطراف مسجدالحرام، سراغ «سفینةالبحار» را گرفتم.

گفت: چنین کتابی را ندیده‌ام، از کیست؟

گفتم: از محدث قمی.

گفت: از ائمه‌اهل سنت و جماعت هرچه بخواهی داریم، صحیح بخاری، سنن بیهقی و...

گفتم: ما در ایران، در کتابفروشیها و کتابخانه‌هایمان به وفور، کتب شما را داریم. هم

مطالعه می‌شود و هم خرید و فروش، شما چطور از کتب شیعه هیچ ندارید؟

گفت: ما کتب مجوسیان را توزیع نمی‌کنیم.

من که انتظار چنین سخنی را از یک فرد آشنا به کتاب نداشتیم، گفتم:

اعتقاد و دین، مربوط به کشور و شهر خاصی نیست، به صرف ایرانی بودن نمی‌توان

کسی را مجوس دانست. درست است که ایران، قبل از اسلام دین زردشتی داشت، ولی

ایرانیان از آیین حضرت رسول - ص - استقبال کردند و از مسلمانان راستین شدند. از جمله

سلمان فارسی که از ایران بود.

گفت: پیامبر او را «سلمان محمدی» خطاب کرد.

گفتم: این از شدت ایمان و بخاطر فضیلت بسیار و قرب سلمان به حضرت رسول بود.

گفت: ایرانی مجوس است.

گفتم: اولاً - ما مسلمانیم و از ایران برای زیارت خانه خدا و مرقد مطهر پیامبر - ص -

آمده‌ایم. مجوسیها کجا به حج می‌آیند؟!

ثانیاً - بسیاری از دانشمندان بزرگ شما اهل سنت، ایرانی بوده‌اند. مثلاً بعضی از

نویسندگان صحاح و سنن شما، مثل بیهقی، بخاری، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و... ایرانی

هستند. ابو حنیفه، پیشوای مذهب حنفی، ایرانی است. مفسرین مشهوری چون طبری،



ز مخشری، فخر رازی و... همه ایرانی بودند. اگر صرف ایرانی بودن دلیل بر مجوسیت است، پس باید این علما هم مجوسی باشند!

صدای اذان برخاست، خداحافظی کردم و به طرف مسجدالحرام روانه شدم. بهر حال در فضا و محیطی که بگفته دانشمند و دانشجویی هوشمند و شیعی، حقد، کینه و یکسر کذب و جعل از شیعه در دانشگاهها و محیطهای علمی تدریس و عرضه می شود و به گفته دانشجویی منصف و کتابخوان - پس از گفتگو و مباحثه - : متأسفانه همه آگاهی ما - دانشجویان دانشگاههای سعودی - از شیعه مستند است به منابع فرقه شناسی که هیچکدام از آنها به منابع اصیل خود شیعه مستند نیست. باری، آیا در چنین فضایی جز این می توان انتظار داشت؟ خوب است اینجا خاطره ای دیگر را نیز نقل کنم:

در یک کتابفروشی بسیار بزرگ در مدینه که کتابهای متعددی علیه شیعه داشت، با جوانی افغانی که دانشجوی دانشگاه مدینه بود سخن گفتم. از کشورم سؤال کرد، گفتم ایرانیم، از مذهبم سؤال کرد، گفتم شیعی هستم. شانه هایش را بالا انداخت و با بی اعتنائی سخنی ناروا گفت. من با خوشرویی گفتم چرا چنین داوری می کنی، او سخنان تباہ بسیاری را که از استادانش فرا گرفته بود برای من بافت و در نهایت گفت شما معتقد به تحریف قرآن هستید، قرآنی جز این قرآن دارید، و روایات در منابع شما درباره تحریف بسیار است من پاسخ گفتم، و تأکید کردم که عالمان محقق شیعه بر این باور نیستند و این روایات را قبول ندارند، او گفت وعده می گذاریم و من فردا کتابی می آورم که این مطالب از منابع مهم شما نقل کرده است. گفتم لازم نیست بیاورید، من آن کتاب را دیده ام، خوانده ام سخن استواری ندارد، گفت: من نگفته ام چه کتابی، چگونه می گویی من آن را دیده ام. گفتم مگر مرادت کتاب «الشیعه والقرآن» احسان ظهیر الهی نیست؟! جوان بهتش زد، و بالمزه آرام شد و من ادامه دادم و آنگاه گفتم اکنون با هم فارسی حرف می زنیم؛ و فارسی حرف زدیم و او سبکبال از آنچه فهمیده و شرمسار از داوری پیشین، مدت زیاد با من به گفتگو نشست و برای روز بعد وعده دیدار نهاد و... .

اکنون لازم است خلاصه گزارشی را بیاوریم که از یکسوی حقایق قابل توجهی درباره حضور فیزیکی، فکری، اجتماعی و سیاسی شیعیان در عربستان دارد و از سوی دیگر نشانگر آن چیزی است که پیشتر آوردیم، از نتیجه برخوردهای هوشمندانه و دقیق شیعیان آن دیار. در

این گزارش یکی از وهابیان به نام ناصر بن سلیمان العمر حضور جدی شیعیان در عربستان را نمایانده و به مسؤولان آن کشور در این باره هشدار داده است. لحن گزارش گزنده است و کینه‌توزانه، ما گزارش را خلاصه کرده‌ایم اما در لحن آن تغییری نداده‌ایم تا نشانگر جریان‌ی باشد از برخورد با شیعیان در آن دیار.

وضعیت رافضیان در سرزمین توحید

حضرت شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (حفظه الله) حضرات گرامی، اعضای کبار العلماء (وقفهم الله) سلام علیکم

به استناد حدیث نبوی «الدِّينُ نَصِيحَةٌ» بر خود واجب می‌دانم در این یادداشت شما را نسبت به خطر رافضیان و فعالیت‌های آنان و اهداف پنهان و خطرناکشان باخبر سازم.

سروران!

من این حقایق را در اختیار شما می‌گذارم و شما خود می‌دانید برای برائت ذمه و کمک به مسلمانان چگونه عمل کنید.

رافضیان و تراکم جمعیتی آنان

رافضیان مدعی هستند که ۲۵٪ از شهروندان این کشور را آنان تشکیل می‌دهند. لیکن در حقیقت، تعدادشان به ۵٪ نیز نمی‌رسد.

آنان سخت هوادار ازدواج در سنین پایین، تکثیر نسل و داشتن همسران متعدد هستند و هر روزه در قلیف اعلامیه‌هایی بر در و دیوار می‌بینیم که خبر از مراسم ازدواج‌های متعدد می‌دهد؛ مثلاً تنها در یک شب، در سیهات، طی یک جشن ۴۴ زوج ازدواج کردند که این مطلب، بی‌خبرانه و ساده‌لوحانه مورد استقبال و تشویق مطبوعات و جراید نیز قرار گرفت.

فعالیت‌های علمی رافضیان

۱- تعلیمات عمومی

در کلیه روستاهای قلیف مدارس و وجود دارد که مملو از دانش‌آموزان است.



۲- آموزش حرفه‌ای

آموزشگاه‌های حرفه‌ای، صنعتی و بهداشتی و دانشکده‌های فنی، پر است از رافضیان؛ زیرا آنان، برخلاف بیشتر اهل سنت، میل و علاقه‌ غریبی به آموختن این هنرها دارند. لذا در قطف آموزشگاه خاصی برای تعلیمات حرفه‌ای و یک دبیرستان بازرگانی وجود دارد.

۳- آموزش عالی

آنان حضور فعالی در دانشگاهها دارند و از آنها بسیار بهره می‌برند. برای نمونه به آمار زیر بنگرید:

دانشگاه ملک فیصل در دمام و احساء: رافضیان در این دانشگاه در پی تخصص‌های قوی و علمی هستند. همچنان که در رشته‌های ادبیات و زبان عربی به تحصیل اشتغال دارند. آنان در برخورد با اساتید به شبهه‌انگیزی می‌پردازند و در جاهای مختلف دانشگاه نماز می‌خوانند.

دانشگاه نفت و معدن ملک فهد در ظهران: برخی از رافضیان در رشته‌های حساس نفت، به تحصیل مشغولند و عده‌ای حتی به استادی در این دانشگاه دست یافته‌اند.

دانشگاه ملک سعود در ریاض: تعداد بسیاری از رافضیان که از منطقه شرقی می‌آیند، به تدریس در این دانشگاه مشغولند. برخی از دانشجویان رافضی به توزیع پاره‌ای نوشته‌ها که بیانگر عقاید آنان است، دست می‌زنند و حتی اطلاعیه‌های مربوط به برپایی جشن عروسی در حسینیه‌های خود را به در و دیوار می‌زنند و همچنین کارگران و دانشجویان خارجی را به مذهب باطل! خود فرا می‌خوانند.

آموزش و پرورش

۱- معلمان. کمتر مدرسه‌ای در منطقه شرقی یافت می‌شود که در آن معلمی رافضی یافت نشود. بیشتر معلمان رافضی در علوم، ریاضیات، زبان و علوم اجتماعی تخصص یافته و تا آن جا پیش رفته‌اند که در این دروس، منطقه را از معلمین دیگر بی‌نیاز کرده‌اند.

در مدینه و روستاهای اطراف آن بیش از ۳۰۰ معلم رافضی وجود دارد. آنان چه در

داخل مدرسه - روزنامه‌های دیواری و جز آن - و چه در فعالیتهای خارج از مدرسه مانند سفرها، سخت فعالیت می‌کنند و می‌کوشند دل دانش‌آموزان را به دست آورند و سپس آنان را وسوسه کنند و دچار شبهه سازند.

این مطلب در مورد معلمان زن نیز صادق است. آنان در قطف و روستاهای آن و مناطق سنی نشین - چه دور و چه نزدیک - درس می‌دهند و تعداد معلمان زن رافضی در منطقه مدینه نبوی نزدیک به ۳۰۰ تن می‌رسد. طبیعی است که زنان و مردان معلم رافضی، از مذهب خود دفاع می‌کنند و با نشان دادن اخلاقی خوش و ارائه الگویی خوب، می‌کوشند تا احساسات اهل سنت را تحت کنترل خود درآورده و دل‌های آنان را تسخیر کنند.

حال چه خطری بر معتقدات اهل سنت، مهمتر از آن است که معلمان - مرد و زن - رافضی و بدعتگذار الگوی جوانانشان باشند؟! «لا حول و لا قوة الا بالله و الیه الممشکی» (!)

۲- اداری‌ها. کافی است بدانید غالب مدیران، ناظران و گردانندگان مدارس قطف و روستاهای آن رافضی هستند. نتیجه بودن این تعداد فراوان از رافضیان در عرصه آموزش و پرورش، آن است که اینک خواستار انجام خدمات آموزشی بیشتری مانند ایجاد دانشگاه در قطف یا ایجاد شعبه‌های دانشگاهی در آن جا شده‌اند و حتی خواهان ایجاد نظام آموزشی منطبق بر عقایدشان در مناطقی که اکثریت آن رافضی هستند، شده‌اند.

فعالیت‌های اداری

رافضیان در بسیاری از ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی نفوذ کرده‌اند و در برخی از آنها مانند وزارت کشاورزی، وزارت بهداشت، وزارت برق و پست و تلفن و وزارت تبلیغات، اکثریت را تشکیل می‌دهند. عجیب آن که در وزارت حج و اوقاف نیز تعدادی از آنان یافت می‌شوند.

اما در بخش‌های نظامی، وزارت دفاع، نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی تعدادشان بسیار است همچنان که در نیروی دریایی - که بسیار حساس است - کسانی از آنان به رتبه‌های بالا دست یافته‌اند.

آنان نفوذ گسترده‌ای در ادارات دولتی مدینه پیامبر - ص - بویژه بهداشت و راهنمایی و رانندگی این شهر دارند.



فعالیت‌های تجاری و کشاورزی

رافضیان علاوه بر قطیف، در دمام، جیل و دیگر شهرهای این سرزمین، فعالیت تجاری گسترده و قابل توجهی دارند. برخی از تاجران رافضی شهرت بسیار کسب کرده‌اند و شرکت‌هایشان معروف است مانند: «شركة المخابز الوطنية» که به تولید انواع نان و لبنیات می‌پردازند. بازار میوه‌جات و سبزیجات در منطقه شرقی عمدتاً در اختیار آنان است و لذا چندان شگفت‌آور نیست که نرخ میوه‌ها و سبزیها در ایام سوگواری؛ بویژه در روز عاشورا افزایش می‌یابد؛ زیرا تعداد بسیاری از فروشندگان رافضی در این اوقات از داد و ستد خودداری می‌کنند.

تجارت خرما بویژه خرمای احساء - که کیفیت آن زبانزد است - در اختیار رافضیان است.

فعالیت‌های علمی و تبلیغی

در قطیف و اطراف آن، بسیاری از عالمان بزرگ رافضی با پیروانی کوشا و مدافع مذهب خود، وجود دارند. در تمام روستاهای قطیف، غیر از واعظانی که «ملا» نامیده می‌شوند، عالمی رافضی حضور دارد.

آنان فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه‌های علمی و تبلیغی دارند؛ از جمله:

۱- درسها و سخنرانیها

بدور از چشم مسؤولان مربوط، اطلاعاتی متعددی بر در و دیوار مساجد و حسینیه‌های آنان به چشم می‌خورد که خبر از درس و سخنرانی رافضیان می‌دهد. این درسها موجب برافروختن آتش فتنه و ایجاد محبت نسبت به تهران و قم و دشمنی با حاکمان و رهبران این سرزمین می‌شود. در این جا عنوان برخی از سخنرانی‌ها و سخنوران را ذکر می‌کنم:

شیخ محسن المعلم	- مهدی در قرآن
سید عبدالله الموسوی	- تشیع و ولایت
سید منیر الخباز	- تقیه و حدود آن
شیخ مهدی المصلی	- رحلت امام علی

۲- مساجد و حسینیه‌ها

در مناطق رافضی نشین، مساجد و حسینیه‌های بسیاری وجود دارد که اگر پیش آید هنگام اذان وارد قطیف شوی، از شنیدن بانگ: «اشهد ان علیاً ولی الله و حی علی خیر العمل» که در فضا پیچیده است، نباید تعجب کنی. در این مساجد مردمی را می‌بینی که بر رانهای خود می‌کوبند و بر سنگ سجده می‌کنند. اگر در این خطه از مساجد اهل سنت بپرسی، تعداد آن کم، بلکه نادر است.

حسینیه‌ها تریبون تبلیغاتی برای رافضیان و تقویت روحیه همبستگی و احساسات مذهبی آنان و کینه‌توزی نسبت به اهل سنت در مناسبت‌های مختلف به شمار می‌رود. حیرت‌آور آن که حسینیه‌ها عجیب زیادند، تا آن جا که در یک محله، بیش از یک حسینیه با موقوفه خاص و صبغه قداست وجود دارد. از جمله می‌توان این حسینیه‌ها را نام برد: حسینیه الزهراء، حسینیه الامام المنتظر و حسینیه الناصر، در سیهات، حسینیه الزائر در قطیف، حسینیه الامام زین‌العابدین و حسینیه الرسول الاعظم.

۳- نمایشگاه‌های کتاب

رافضیان در قطیف و توابع آن، هر سال نمایشگاه‌هایی برگزار می‌کنند و در آنها بسیاری از کتابها و اباطیل (!) خود را به فروش می‌رسانند. در روز چهارشنبه ۱۴۱۲/۱۰/۱۲ ق، ششمین نمایشگاه کتاب به مدت پانزده روز در قطیف با ویژگیها و فعالیت‌های جنبی زیر برگزار شد:

- برگزاری مسابقه بزرگی با جوایز ارزنده
- اختصاص برخی از روزها به آقایان و پاره‌ای روزها به بانوان
- تخفیف برخی از کتابها در روزهای خاص

- و برگزاری مسابقه‌های روزانه

همانطور که می‌بینیم این «ششمین» نمایشگاه است؛ یعنی قبلاً پنج نمایشگاه از این دست برگزار شده است.

همچنین در سال ۱۴۱۲ ق. نمایشگاه کتابی در باشگاه ورزشی الهدی و جزیره تاورت، برگزار شد.

باز در آغاز سال ۱۴۱۳ ق. نمایشگاه کتابی در باشگاه ورزشی ایتسام در روستای «ام الحمام» با مشارکت بیش از ده ناشر برگزار شد. عجیب آن که اطلاعیه‌ها و پلاکاردهای بازدید از این نمایشگاه را در شهر دمام آویخته بودند و عجیب‌تر آن که مدیر کل آموزش و پرورش منطقه شرقی آن را افتتاح کرد.

در این نمایشگاه، کتابهایی دیده می‌شود که از مذهب رافضیان سخن می‌گوید، به آن دعوت می‌کند، عقیده اهل توحید را مخدوش و پیروان آن را نکوهش می‌کند، با ستایش و غلو از اهل بیت، از دیگران با ناسزا یاد می‌کند. از جمله می‌توان این کتابها را نام برد: التوحید نوشته ابن بابویه قمی، موسوعة العتبات المقدسه، نوشته جعفر خلیلی، صد و پنجاه صحابی ساختگی نوشته مرتضی عسکری و الآیات البینات، نوشته محمد حسین کاشف الغطاء که ردی است بر وهابیت.

۴- جمعیت‌های خیریه

در تمام روستاهای رافضی‌نشین، جمعیت‌های خیریه‌ای وجود دارند که به فعالیت‌های گسترده‌ای دست می‌زنند؛ از جمله:

الف - کمک‌های مالی برای ازدواج.

ب - ایجاد شهر بازی برای کودکان.

ج - برگزاری کلاسهای آموزش خیاطی، ماشین‌نویسی و کامپیوتر.

د - رسیدگی به بیماران و کوشش برای درمان آن.

درآمد یکی از این جمعیت‌های خیریه به نام «جمعية العوامیة الخیریة» طی سال ۱۴۱۱ ق. ۲۳۸۱۰۷۸ ریال سعودی بوده است. متأسفانه این جمعیتها از طرف اهل سنت نیز مورد حمایت مالی قرار می‌گیرند و این غیر از پشتیبانی رسمی وزارت کار و امور اجتماعی از

آنان است که گاه تا ۳۲۵۰۰۰ ریال سعودی به آنان پرداخت کرده است.

مظاهر شرک و بدعتگذاری

رافضیان در درجه اول گورپرست و بندگان ضریح و آرامگاهها هستند و رافضیان سعودی نیز چون دیگر رافضیاند.

از جمله مظاهر شرک علنی رافضیان در سرزمین توحید می توان موارد زیر را نام برد:

۱ - آنان گورهای خود را محکم می کنند. آنها را می آریند و بر می آورند و بر آن بنا می کنند و گاه عکسهای مردگان را بر گورها نصب می کنند و برای آمرزش روح آنان فاتحه می خوانند و پرچم نصب می کنند.

۲ - آنان تصاویر منسوب به قبور اهل بیت مانند آرامگاه کاظم، باقر، مشهد، حسین و مانند آن را آشکارا در بازارهایشان می فروشند. همچنین عکسهای عالمان و مجتهدان خود مانند خمینی و خویی را دست به دست می کنند و از داشتن آنها احساس سرافرازی می کنند و آنها را در بازارهایشان می فروشند یا می آویزند. بعلاوه اوراقی می فروشند که در آنها نام امامان، تاریخ تولد و وفات و آرامگاههایشان بیان شده است.

۳ - بودن اوراد شرک آمیز مانند اوراد زیارت قبور و توسل به امامان که غلو در آن کاملاً آشکار است. از آن جمله است گفته آنان در زیارت علی - رضی الله عنه - : «السلام علی میزان الأعمال، و مقلب الاحوال... الحاکم یوم الدین...»

۴ - ساختن حسینیه و گذاشتن بلندگو در آن و همچنین ساختن مساجد و گفتن اذان، در دیگر نواحی قطیف.

۵ - چراغانی، نصب پلاکارد، برگزاری سخنرانیها، سمینارها و توزیع شیرینی در حسینیه های قطیف به مناسبت های خاص؛ مانند عید غدیر یا تولد این یا آن امام.

۶ - بسیاری از رافضیان قطیف و احساء، درست هنگام نماز ظهر و عصر و پس از اذان بدون این که کسی اعتراض کند - از مسجد پیامبر خارج می شوند؛ مردم وارد می شوند و آنان بیرون می روند. رافضیان نماز ظهر و عصر را طبق اعتقاد خود با هم می خوانند. آنان حدود ساعت دو بعد از ظهر، به گونه ای که جلب توجه کند در مسجد نبوی گرد می آیند و نماز می خوانند.

۷ - بیشتر رافضیان هنگام حضور در مسجد نبوی، کتابهای متعلق به مذهب خود را همراه دارند و در آن جا می‌خوانند و حتی یکی از آنان دست به توزیع کتاب «اکذوبه تحریف القرآن بین السنة و الشیعه» زد. این کتاب اتهام تحریف قرآن را از شیعیان رد می‌کند و آن را به اهل سنت نسبت می‌دهد.

خواسته‌های شیعیان

- ۱ - دولت سعودی، به تشیع چونان یکی از مذاهب اسلامی، احترام بگذارد و اعمال مذهبی شهروندان شیعه را به رسمیت بشناسد.
- ۲ - آزاد ساختن مساجد و حسینیه‌ها و بازسازی قبور امامان در بقیع و دیگر اولیاء، به شیعیان داده شود.
- ۳ - نظام آموزش دینی در مناطقی که بیشتر ساکنان آن شیعه هستند، طبق مذهب آنان باشد.
- ۴ - آزادی فکری و فرهنگی به شیعیان داده شود و آنان بتوانند کتابهای شیعی را وارد و مجلاتی با دیدگاههای شیعی طبق قانون، منتشر کنند.
- ۵ - شیعیان آزادی ایجاد حوزه‌های علمی و مدارس دینی را داشته باشند.
- ۶ - از توهین و اهانت به مذهب شیعه خودداری شود و آنان بتوانند از مذهب دفاع کنند.^۳



پی‌نوشتها:

- ۱ - با کاروان ابراهیم، ص ۲۳۰.
- ۲ - مراد کتاب «با کاروان عشق» است که گزارشی است از حج سال ۷۲.
- ۳ - این گزارش مفصل را فاضل ارجمند جناب آقای سید حسن اسلامی ترجمه و تلخیص کرده‌اند.